

Modeling Causal Relationships of Government Revenues and Budget Deficits with a System Dynamics Approach

Dawood Yousufzai*, Adela Rahmati**, Asadullah Shayan***

* Faculty Member, Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan
(Corresponding Author)

dawood.yousufzai@kateb.edu.af Email:

** Lecturer at the Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan
Email: AdelaRahmati1@gmail.com

*** Faculty Member, Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan
Email: asadullahshayan210@kateb.edu.af

Abstract

In macroeconomics, the government is recognized as a key player in influencing economic and social variables. This research examines the effects of taxation on government revenues and its relationship with budget deficits. Given the importance of taxes as a primary source of revenue for governments and the need for diversification in revenue sources, analyzing the impacts of taxation on economic growth and stability is essential. The findings of this study indicate that tax policies can have significant effects on the economic behavior of individuals and firms. An increase in tax rates may reduce the incentive for investment and production; however, it can simultaneously generate greater tax revenues for the government, which can help cover public expenditures and reduce budget deficits. This research employs dynamic system models to analyze the complex relationships between taxation, government revenues, and budget deficits, identifying long-term patterns in this context. The results of this study can assist policymakers in making optimal decisions regarding tax collection and budget deficit management. Additionally, the investigation of strategies to improve the economic conditions of countries and establish economic stability in times of crisis is also addressed in this research. Overall, this study highlights the significance of taxation as an effective tool for achieving economic and social objectives.

Keywords: Government, Revenue, Budget Deficit, Modeling, System Dynamics

مدلسازی روابط علت و معلولی آثار درآمدها و کسری بودجه دولت‌ها با رویکرد پویایی سیستم

داود یوسفزی*، عادلہ رحمتی**، اسدالله شایان***
* عضو کادر علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان (نویسنده مسئول)
dawood.yousufzai@kateb.edu.af
** استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان
AdelaRahmati1@gmail.com
*** عضو کادر علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان
asadullahshayan210@kateb.edu.af

چکیده

در اقتصاد کلان، دولت به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در تأثیرگذاری بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود. این تحقیق به بررسی اثرات مالیاتی بر درآمدهای دولت و ارتباط آن با کسری بودجه می‌پردازد. با توجه به اهمیت مالیات به‌عنوان منبع اصلی درآمد دولت‌ها و نیاز به تنوع در منابع درآمدی، تحلیل تأثیرات مالیات بر رشد و ثبات اقتصادی ضروری است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سیاست‌های مالیاتی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر رفتار اقتصادی افراد و نگاه‌ها داشته باشند. افزایش نرخ مالیات ممکن است انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید را کاهش دهد، اما در عین حال، درآمدهای مالیاتی بیشتری برای دولت ایجاد کرده که می‌تواند به تأمین هزینه‌های عمومی و کاهش کسری بودجه کمک کند. این تحقیق با استفاده از مدل‌های پویایی سیستم، روابط پیچیده بین مالیات، درآمدهای دولت و کسری بودجه را تحلیل کرده و الگوهای بلندمدت در این زمینه را شناسایی می‌کند. نتایج این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران در اتخاذ تصمیمات بهینه در زمینه جمع‌آوری مالیات و مدیریت کسری بودجه یاری رساند. همچنین، بررسی راهکارهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشورها و ایجاد ثبات اقتصادی در شرایط بحرانی نیز در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی، این پژوهش اهمیت مالیات را به‌عنوان ابزاری مؤثر در دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی روشن می‌سازد.

کلمات کلیدی: دولت، درآمد، کسری بودجه، مدلسازی، پویاشناسی.

مقدمه

سیستم که مدل سازی روابط علت-معلولی را نشان دهد تا هنوز تحقیقاتی انجام نگرفته است. در حال حاضر اقتصادی مثل کشور ایران که سهم بخش دولتی بالا است، دولت به عنوان یک متغیر اقتصادی نقش تعیین کننده‌ای در مسیر اقتصاد می‌تواند داشته باشد. افزون بر این، یکی از منابع مهم درآمد دولت از کمک‌های اقتصادی به حساب می‌آید اما بعد از تغییرات جدید باعث شده که دولت در برنامه‌های اقتصادی خودش بیشترین توجه را به بخش مالیات سوق دهد. که این فعالیت دولت ممکن است نقش خوبی را در اقتصاد ایفاء کند و یا هم نقش خوبی را در اقتصاد نداشته باشد به طوری که هزینه‌های دولت و روش‌های تامین آن می‌تواند اثرات قابل ملاحظه‌ای در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، رشد اقتصادی و ثبات اقتصادی داشته باشد. یکی از بهترین راه‌های درآمدی دولت جمع‌آوری مالیات است که در بین انواع درآمدهای دولت قابل قبول‌ترین و مناسب‌ترین نوع آن از نظر اقتصادی می‌باشد؛ یعنی هر چه سهم مالیات‌ها در تامین درآمدهای دولت بیشتر باشد از وضعیت بد شرایط اقتصادی می‌توان به صورت بهتر جلوگیری کرد. براین اساس سوال که مطرح می‌شود این است که جمع‌آوری مالیات دولت چه اثراتی بر درآمدهای دولت و اقتصاد می‌تواند داشته باشد؟ ما در دنیای زندگی می‌کنیم که دارای رشد پیچیدگی پویا می‌باشد که همین پیچیدگی ما را وادار می‌کند تا در تصمیم‌گیری و یادگیری به عنوان اندیشمندان سیستمی باشیم تا بتوانیم مرزها و محدوده‌های مدل ذهنی خود را توسعه بدهیم و برای اینکه بتوانیم درک بهتری از ساختار و سیستم پیچیده و رفتارهای به وجود آمده آن از ابزارها و تجهیزات استفاده بکنیم (ماتياس روت و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). پویا شناسی یا سیستم پویا، دیدگاه و مجموعه‌ای از ابزارهای مفهومی می‌باشد که ما را قادر به فهم و ساختار و پویایی سیستم‌های پیچیده می‌کند. پویای شناسی سیستم یک شبیه سازی کامپیوتری می‌باشد که روش مدل سازی در این سیستم به صورت ماهرانه و ظریف است که برای طراحی مدل‌های خود از سیستم‌های توانمند استفاده می‌کند و استفاده از آن منجر به طراحی مدل سازمان‌ها و سیاست‌های موثر می‌باشد. در نتیجه سیستم پویا زمینه را فراهم می‌سازد که می‌توانیم از اثرات جانبی بلندمدت سیاست‌هایمان تجربه بدست بیاوریم، یادگیری را سرعت بخشیم، سیستم‌های پیچیده را درک کنیم و ساختار و استراتژی‌هایی برای موفقیت بیشتر طراحی کنیم (استرمن ۱۳۸۶: ۲). هدف از این تحقیق این است که آثار مالیاتی را بر درآمدهای دولت و رابطه مالیات با کسری بودجه را مورد بررسی قرار دهیم و برای اینکه بتوانیم این اثرات را به درستی درک نماییم از روش پویایی سیستم استفاده می‌نماییم. ساختار تحقیق نیز در شکل زیر ترسیم گردیده است:

مروری بر مطالعات انجام شده

امین رشتی (۱۳۸۰) بیان کرده؛ در اقتصاد، مالیات می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد، در جهت هدایت اقتصادی به مسیر دلخواه، مورد استفاده قرار دهد. در زمان تورم، با افزایش مالیات بردرآمد، درآمد قابل تصرف افراد را کاهش داده، در نتیجه با کاهش میزان مصرف خانوار، قیمت‌ها نیز کاهش

یافته و فشار تورم نیز کاهش می‌یابد. در حالی که در شرایط رکود با کاهش مالیات بر درآمد، می‌توان میزان مصرف و تقاضای افراد را افزایش داد که باعث افزایش قیمت‌ها می‌گردد. در نتیجه به هر میزان سهم درآمد ملی جامعه بیشتر باشد، تغییر در سیاست‌های مالیاتی اثرات بیشتری خواهد داشت و دولت با در دست داشتن مالیات دارای یک ابزاری مناسب در جهت پیاده کردن اهداف سیاست‌های مالی مورد استفاده قرار می‌دهد. اسمعیل ابونوری و همکاران (۱۳۸۷) پژوهشی را با استفاده از داده‌های فصلی از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۵ به منظور بررسی اثر سیاست مالی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران با استفاده از مدل‌های خودرگرسیون برداری (VAR) تحلیل شده است. و نتایج را که بدست آورده این است که مقدار مالیات، مخارج عمرانی و جاری اثرات مثبت و نرخ بهره حقیقی اثر منفی بر تولید ناخالص داخلی دارد؛ مخارج عمرانی دارای سهم اندک در ایجاد نوسانات سرمایه گذاری است. نتایج نهایی که بدست آمده، نمی‌توان انتظار داشت که مخارج جاری دولت و مالیاتها در تامین ثبات اقتصادی از اثرگذاری کافی برخوردار باشد. اسکویی و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی را در رابطه با نقش مالیات در توضیح نوسانات کسری بودجه انجام دادند، که در این تحقیق از روش خود توضیح برداری ساختاری (SVAR) استفاده شده، نتایج که در این تحقیق بدست آمده، مالیات در کوتاه مدت نقش منفی بالای رشد اقتصادی دارد اما اثرات آن در بلندمدت حذف می‌شود. در اخیر نیز اثبات گردیده که درآمدهای مالیاتی و نفتی باعث کاهش کسری بودجه دولت در کوتاه مدت و بلندمدت می‌گردد. اما تاثیر درآمدهای نفتی در کاهش کسری بودجه بیشتر از درآمدهای مالیاتی می‌باشد. دادگر و همکاران (۱۳۹۲) اثبات کردند که دولت و مالیات همواره دو جزء از مهمترین و موثرترین عناصر همه نظام‌های اقتصادی و اجتماعی هستند. از زمانی که دولت و چارچوب‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند، مالیات جزء ارکان تشکیل دولت به حساب می‌آمده است. در صورتی که وجود دولت و نظام اجتماعی ضروری باشد، انجام وظایف مربوط، هزینه‌هایی دارد که برای تامین آن هزینه‌ها نیاز به ساختن راه‌هایی برای تامین مالی آن هزینه‌ها وجود دارد. مالیات بهترین راه تامین هزینه‌های دولت در شرایط عادی اقتصادی می‌باشد. رستم‌زاده و گودرزی فراهانی (۱۳۹۵) تحقیقی در حوزه جایگزینی سازی درآمد دولت از طریق درآمدهای مالیاتی با طراحی یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE) انجام داده، در این تحقیق دو سناریوی طراحی شده بود که سناریو اول، فرض شد که دولت درآمد نفتی دارد و تمامی درآمدهای نفتی توسط دولت خرج می‌شود و سناریوی دوم، دولت توسط مالیات تامین هزینه‌های خودش را انجام می‌دهد. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان دهنده یک شوک مالیاتی در کوتاه مدت تاثیر منفی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل رشد اقتصادی و مصرف دارد؛ اما در بلند مدت، با افزایش درآمد مالیاتی میزان تولید ناخالص داخلی، مصرف و سرمایه‌گذاری در اقتصاد افزایش می‌یابد. همچنین علیزاده و فتح الهی (۱۳۹۷) پژوهشی را در راستای رابطه بین درآمد مالیاتی و هزینه‌های دولت در ایران را با رویکرد آزمون باند و علیت تودا-یاماموتو انجام داده؛ در این پژوهش اثبات گردیده که در کوتاه‌مدت، تغییر در مخارج دولت منجر به ایجاد تغییر درآمدهای مالیاتی می‌گردد. و نتایج این تحقیق با نظریه پیکاک و وایزمن

مبنی در کوتاه مدت و بلندمدت بوجود رابطه علی یک طرفه از سمت هزینه‌های دولت به درآمد، منطبق است. صامتی و همکاران (۱۳۸۷) پژوهشی در حوزه اثر رشد درآمدهای دولت بر تورم و رشد حقیقی اقتصاد ایران در دوره زمانی (۱۳۳۸-۱۳۸۶) انجام داده اند؛ با استفاده روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای استفاده گردیده نتایج که بدست آمده؛ نرخ رشد حقیقی درآمدهای مالیاتی دولت دارای تاثیر معنی داری بر نرخ رشد حقیقی اقتصاد نبوده است اما بر نرخ تورم تاثیر منفی و معنی‌داری داشته است. در اخیر نیز پیشنهاد کرده ایجاد یک سیستم مالیاتی کارآمد نقش موثرتری در این زمینه ایفا کند یعنی تحول در سیستم مالیاتی دولت باعث تحول در بافت ساختار بخش‌های مختلف اقتصادی بویژه بخش اقتصادی دولت خواهد بود. گالی^۱ (۲۰۰۳) به بررسی رابطه هزینه‌ها و منابع تامین مالی هزینه‌های دولتی و رشد اقتصادی در تونس را مورد ارزیابی قرار داده؛ که با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری نتیجه گرفته که رابطه هزینه‌های دولت و رشد اقتصادی، بستگی به تامین منابع مالی دولت دارد. به این ترتیب بیان کرده که اگر دولت تامین مالی خود را از طریق استقراض انجام دهد، رابطه بین هزینه دولت و رشد اقتصادی منفی می‌باشد و اما اگر دولت تامین مالی هزینه‌های خود را از طریق مالیات انجام دهد، رابطه بین هزینه دولت و رشد اقتصادی مثبت می‌باشد. ریواس (۲۰۰۳) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین مالیات بر درآمد، ترکیب مخارج دولت و رشد اقتصادی در نیکاراگوئه پرداخته است. این تحقیق در سه بخش اصلی سازماندهی شده است: در بخش اول، ریواس به این نکته اشاره می‌کند که اگر مالیات بر درآمد از طریق وضع مالیات بر سرمایه تامین شود، نتایج بهتری به همراه خواهد داشت. همچنین، او بیان می‌کند که تخصیص درآمدهای مالیاتی به تامین هزینه‌های انتقالی، می‌تواند اثرات مبهمی بر رشد اقتصادی داشته باشد. در بخش دوم، وی به اهمیت سیاست‌های هزینه‌ای دولت اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که تغییر در هزینه‌های دولتی از طریق ارائه خدمات عمومی می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری در بخش خصوصی و در نتیجه رشد اقتصادی گردد. بخش سوم تحقیق به بررسی اثر سیاست‌های مالی بر بهره‌وری عوامل تولید اختصاص دارد. ریواس اثبات می‌کند که سیاست‌های مالی می‌توانند به عنوان ابزاری برای توزیع مجدد درآمد بین نسل‌های آینده عمل کنند و همچنین تغییراتی در نرخ بهره ایجاد نمایند. او در این بخش تأکید می‌کند که سیاست مالی می‌تواند بر پس‌انداز نیز تأثیرگذار باشد؛ به طوری که رابطه بین کشش پس‌انداز نسبت به نرخ بهره می‌تواند بر تأثیر سیاست‌های مختلف بر رشد اقتصادی مؤثر باشد. اگر کشش بین این دو متغیر بالا باشد، هزینه‌های دولت می‌توانند منجر به افزایش بهره‌وری در بخش خصوصی و در نهایت رشد اقتصادی شوند. به طور کلی، نتایج این تحقیق نشان دهنده پیچیدگی‌های روابط میان سیاست‌های مالی، مخارج دولت و رشد اقتصادی است و تأکید می‌کند که طراحی سیاست‌های مالی باید با دقت و توجه به اثرات بلندمدت آن‌ها صورت گیرد. سامول^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین کسری بودجه و سرمایه‌گذاری خصوصی در اقتصاد تانزانیا با استفاده از روش تصحیح خطای برداری و آزمون هم‌جمعی هانسون در دوره (۲۰۱۲-

¹. Ghali

². Samwel

۱۹۷۰) پرداخته، نتایج که در این تحقیق بدست آورده وجود یک رابطه بلندمدت بین سرمایه‌گذاری خصوصی و متغیرهای مورد بررسی از قبیل کسری بودجه دولت است و کسری بودجه دولت باعث کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. بیزا^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای درباره موضوع پرداخته که آیا کسری بودجه باعث برون رانی سرمایه‌گذاری خصوصی در اقتصاد آفریقا جنوبی می‌شود؟ نتایج حاصل از بکارگیری روش هم‌جمعی و خود رگرسیون برداری (VAR) در دوره (۲۰۰۹-۱۹۹۴) نشان داده که یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو با سرمایه‌گذاری خصوصی وجود دارد و در بلندمدت کسری بودجه باعث کاهش سرمایه بودجه باعث کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی شده است. برتراند^۲ و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی اثرات درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشور نروژ را با روش DSGE تحت سیاست‌های مختلف پولی و مالی مورد بررسی قرار داده که بین اثرات کوتاه مدت ناشی از افزایش تقاضا و اثرات میان مدت که بالای رقابت پذیری و رشد موثر است، تمایز قائل می‌شود. این پژوهش بیان کرده که در میان مدت، اثر درآمدهای نفتی بر رقابت‌پذیری که ناشی از بیماری هلندی می‌باشد، از طریق بهبود هزینه‌های عمومی دولت ناشی از افزایش حجم سرمایه عمومی از بین می‌رود. در سال ۱۳۸۳، دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ایران اقدام به شبیه‌سازی مدل اقتصاد ایران در راستای برنامه چهارم توسعه اقتصادی نمود. در این کتاب، روابط بین متغیرهای کلان اقتصادی به صورت نمودارهای علی و معلولی و معادلات ریاضی ارائه شده است. این روابط شامل بخش‌های مختلفی از جمله رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و نرخ ارز، بودجه دولت، سیاست‌های پولی و تورم، بازار کار و توزیع درآمد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این تحلیل‌ها به درک بهتر تعاملات میان این متغیرها و تأثیرات آن‌ها بر عملکرد کلی اقتصاد ایران کمک می‌کند. صمدی و عیدی‌زاده (۱۳۹۳) تحقیقی در رابطه با نظام مالیاتی با رویکرد پویایی سیستم در افق ۱۴۰۴ مدل‌سازی کردند، در این پژوهش متغیرهای که مورد بررسی قرار گرفته تلاش مالیاتی، درآمد مالیاتی و فرار مالیاتی پرداخته و پس از شبیه‌سازی این متغیرها در بین سال ۱۴۰۴-۱۳۸۸ پیش‌بینی شده است. در اخیر نیز بیان شده از آنجایی که دولت بتواند در جمع آوری مالیات به وضعیت مطلوب برسد، لازم است که به طور همزمان در حوزه‌های مختلف از قبیل؛ کاهش نرخ تورم، افزایش وضعیت رفاهی مردم، کم کردن فعالیت اقتصاد غیر رسمی در کشور، افزایش رشد جمعیت، افزایش درآمد سرانه و افزایش مالیات‌ها تلاش زیادی را انجام دهد.

مبانی نظری

کینز باور داشت که بهترین روش برای به وجود آوردن تعادل اقتصادی در زمان اشتغال کامل، استفاده از سیاست کسری بودجه و افزایش قرضه عمومی است. هدف اصلی دولت در حقیقت به وجود آوردن اشتغال کامل بدون تورم می‌باشد و اگر برای تامین این هدف دولت از طریق اعمال

¹. Biza

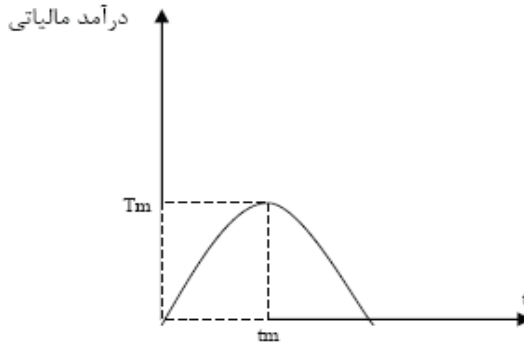
². Berterand

سیاست‌های مالی انبساطی با کسری بودجه مواجه شود، نمی‌توان هدف نهایی را به وجود آورد. از آنجایی که در حالت رکورد، تعادل اقتصادی پایین‌تر از اشتغال کامل موجب می‌شود که از تمامی منابع تولید که در اختیار بخش خصوصی است استفاده نشود، انتشار اوراق قرضه عمومی و فروش آن به معنای محروم کردن بخش خصوصی نمی‌باشد، هدف این کار توسعه هزینه‌های عمومی و انتشار اوراق قرضه منابع بیکار را به کار انداخته و اثر آن به صورت افزایش سطح تولید و درآمد و تقویت بخش خصوصی ظاهر می‌گردد. زمانی که اقتصاد در شرایط تورم است، باید از سیاست مالی انقباضی استفاده کرد تا سطح مخارج کل کاهش یافته و به حد اشتغال کامل برسد. در این حالت توازن بودجه مفید نمی‌باشد. زمانی که اقتصاد در حالت رونق باشد؛ در نتیجه تورم نیز وجود دارد زمانی که مالیات بردرآمد افزایش یابد و زمانی که مخارج دولت ثابت باشد، در نتیجه مازاد بودجه به وجود می‌آید. برای توازن بودجه، دولت باید مالیاتها را کاهش دهد و یا هزینه‌های عمومی را زیاد کند. در هر دو حالت، این سیاست انبساطی است که به فشار تورمی در اقتصاد خواهد افزود (فریدون تفضلی، ۱۳۸۵: ۴۳۴-۴۳۵). یکی از مهم‌ترین درآمدهای دولت مالیات می‌باشد که از گذشته‌های دور برای تامین هزینه‌های دولت و به عنوان ابزاری برای رفع مشکلات و تامین بخشی از هزینه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه مالیات دیگر به عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی دولت‌ها تلقی نمی‌گردد بلکه ابزاری مناسب جهت مقابله با رکود و عاملی مهم برای تشویق سرمایه‌گذاری و توسعه دادن فعالیت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (نوری، ۱۳۸۸: ۹). اهدافی که مالیات در راستای تحقق اهداف اقتصادی دارد، می‌توان قرار زیر شمرد:

- ۱- تجهیز منابع لازم در جهت هزینه‌های دولت
- ۲- سیاست‌گذاری، تخصیص و تثبیت فعالیت‌های اقتصادی.
- ۳- تعدیل نابرابری‌های درآمد و ثروت در جهت تعمیم عدالت اجتماعی.

در کل نظام مالیاتی که در تمامی جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرد به عنوان ابزاری تعیین‌کننده در چگونگی نیل به توسعه اقتصادی، تامین عدالت اجتماعی و سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (رحمانی، ۱۳۸۷: ۸۰۶). یکی از بهترین راه‌های تامین مالی کسری بودجه و درآمد مناسب برای دولت‌ها مالیات است، درآمدهای مالیاتی یکی از سالم‌ترین و مطمئن‌ترین درآمدها است و پرداخت مالیات از طرف مردم در جهت تامین هزینه‌های عمومی و نیازهای جامعه است که کارایی در تولید، تخصیص بهینه در تولید، شکست بازار و جلوگیری از نوسانات شدیدی اقتصادی را نیز در جامعه بوجود می‌آورد (رستم زاده و فراهانی، ۱۳۹۶: ۱۲۵). یکی از راه‌حل‌های ساده دولت‌ها برای کسب درآمد آسان استقراض از بانک‌ها است، که آثار زیان باری بر اقتصاد دارد. با استقراض دولت‌ها از بانک‌ها باعث می‌شود که خلق پول در جامعه صورت بگیرد و آن مقداری که پول خلق شده متناسب با رشد اقتصادی نبوده و باعث افزایش قیمت‌ها و در نتیجه ایجاد تورم گردیده، لذا این عمل باعث کاهش ارزش پول در جامعه همانند مالیات عمل کرده که معروف به مالیات تورمی می‌باشد. که این پدیده توسط اقتصاددانان معروف آمریکایی آرتو لافر در سال‌های

۱۹۸۰ تحت عنوان منحنی لافر بیان شده است. این منحنی نشان می‌دهد که با افزایش نرخ مالیات از صفر درآمد مالیاتی دولت افزایش می‌یابد که این افزایش تا حددی درآمد مالیاتی دولت را حداکثر می‌نماید و بعد از آن با افزایش نرخ، درآمد مالیاتی دولت روند نزولی به خود می‌گیرد (رویگرو و همکاران، ۲۰۰۱: ۴۳۶)



شکل ۲: منحنی لافر

ترسیم روابط علت و معلولی

منابع مالیاتی یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌های مالی در جهت توزیع مجدد درآمد می‌باشد. مالیات به عنوان سهم هر فرد از هزینه امکانات و کالاهای عمومی جامعه به عنوان ابزار مناسب توزیع درآمد مورد تایید قرار گرفته و همواره به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. دولت‌ها سیاست‌های مالی خود را از دو طریق در جهت توزیع مجدد درآمدها اعمال می‌کنند: پرداخت‌های انتقالی و هزینه‌های اجتماعی، پرداخت‌های انتقالی دولت مانند برنامه‌های تامین اجتماعی و یا سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی قابل حصول است. تاثیرات پرداخت‌های انتقالی دولت زمانی می‌تواند در بلندمدت اثر ماندگارتری بر توزیع مجدد درآمدها داشته باشد که سرمایه‌گذاری در امور اجتماعی بیشتر صورت بگیرد (سالوم و نادمی، ۱۳۹۴: ۴۹).

مثبت درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی بستگی به نحوه تخصیص و مدیریت این منابع دارد. اگر دولت بتواند این منابع را به صورت سیستماتیک و کارآمد مدیریت کند، می‌تواند باعث تقویت ظرفیت‌های تولیدی و افزایش بهره‌وری در اقتصاد شود، که در نهایت منجر به رشد پایدار اقتصادی خواهد شد. (روشیزا طاه‌ها و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۲۰-۳۱۹) (حلقه B۱ هزینه و درآمد).

هزینه‌های دولت به شکل مستقیم قدرت خرید افراد جامعه را با پرداخت‌های نقدی یا حمایت از مخارج شان (نظیر کوپن‌های غذایی، یارانه مسکن، مراقبت از کودکان و مادران شاغل و...) تغییر می‌دهند. بنابراین یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی از طریق تاثیر بر دهک‌های مختلف و افزایش قدرت خرید بر توزیع درآمد تاثیر می‌گذارند (افونسو^۱ و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۷۰). پرداخت‌های انتقالی دولت شامل، کوپن‌های مختلف مواد غذایی برای افراد کم درآمد، سیستم تامین اجتماعی برای سالمندان و بازنشستگان، بیمه‌های بیکاری، بیمه‌های از کارافتادگی، کمک‌های نقدی و غیرنقدی و غیره می‌باشد (جعفری صمیمی، ۱۳۸۰: ۱۴۵). دولت‌ها با افزایش هزینه‌ها بر روی مصرف خانوارها از طریق تامین امنیت اجتماعی، کاهش بیکاری، افزایش دادن رفاه جامعه... تاثیر گذار است. که با این حالت پرداخت‌های انتقالی دولت افزایش یافته که در اخیر نیز مصرف خانوارها نیز افزایش می‌یابد (دیوید ویت، ۲۰۰۷: ۵۵). افزایش پرداخت‌های انتقالی دولت‌ها باعث افزایش مخارج دولت‌ها می‌گردد که این افزایش نیز تاثیر بالایی کسری بودجه دولت‌ها نیز دارد.

تأمین مالی کسری بودجه می‌تواند آثار متفاوتی بر سطوح نرخ بهره، سرمایه‌گذاری و تورم داشته باشد. هر چقدر کسری بودجه دولت‌ها برای یک دوره زمانی بلندمدت قرار بگیرد، بدهی‌های دولت نیز افزایش می‌یابد و با این حالت لازم است که دولت‌ها هزینه‌های خود را کاهش داده و یا بدهی‌های پولی دولت‌ها رشد می‌کند (تنرو سمیک^۲، ۲۰۰۶: ۴۵) (حلقه B۲، B۴). اقدام نکردن دولت در تامین مالی کسری بودجه و به تاخیر انداختن آن در بلندمدت باعث افزایش بدهی‌های دولت و نیز افزایش عرضه پول از سوی افراد و بخش خصوصی می‌گردد که این کار باعث افزایش نرخ بهره و تورم را به صورت تدریجی به وجود می‌آورد و نیز افزایش فاصله بین نرخ بازگشت سرمایه و نرخ بازگشت اوراق قرضه دولتی نیز خواهد بود، رشد نرخ بهره و تورم نیز کسری بودجه را تمدید کرده که در اخیر هزینه‌های دولت کاهش می‌یابد (چهرمی و زایر، ۱۳۸۷: ۳). با کاهش سرمایه‌گذاری دولت در عرصه اقتصادی، مصرف کل و تولید ناخالص داخلی هم کاهش می‌یابد. (حلقه B۳ و B۲). دولت‌ها برای تامین مالی کسری بودجه، به فروش اوراق مشارکت و اوراق خزانه روی می‌آورند. این اقدام معمولاً تأثیر تقویت‌کننده‌ای بر کسری بودجه دارد و منجر به افزایش مصرف و درآمد می‌شود. افزایش درآمد نیز به نوبه خود تقاضا برای پول را بالا می‌برد و نرخ بهره را افزایش می‌دهد. این افزایش نرخ بهره، هزینه تأمین اعتبار برای طرح‌های سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد و در نتیجه، تقاضا برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. (حلقه B۴). مالیات بر شرکت‌ها باعث کاهش

¹. Afonso

². Tanner & Samake

سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌گردد. موافقان مالیات بر شرکت‌ها باور دارند که مالیات تنها سود شرکت‌ها را رو کاهش می‌دهند و به مصرف‌کنندگان و مزد بگیران منتقل نمی‌شود. (حلقه ۶B).

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهند که مالیات و سیاست‌های مالی نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به وضعیت اقتصادی کشورها دارند. تأثیر مالیات بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی، تورم و کسری بودجه به وضوح مشهود است. از یک سو، مالیات می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای تأمین هزینه‌های دولت و مدیریت تقاضا در زمان‌های مختلف اقتصادی عمل کند. از سوی دیگر، بار مالیاتی نامناسب یا غیرمنصفانه ممکن است باعث کاهش رشد اقتصادی و افزایش نارضایتی عمومی شود. نظر به تحقیق موجود می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

پیشنهادات

۱. بهبود نظام مالیاتی
 - ایجاد یک سیستم مالیاتی شفاف و عادلانه که به کاهش فرار مالیاتی و افزایش درآمدهای پایدار کمک کند.
 - استفاده از فناوری‌های نوین برای بهینه‌سازی فرآیند جمع‌آوری مالیات و کاهش هزینه‌های اداری.
 ۲. تنظیم سیاست‌های مالی متناسب با شرایط اقتصادی:
 - در زمان رکود، پیشنهاد کاهش نرخ مالیات و افزایش مخارج دولتی برای تحریک تقاضا و رشد اقتصادی.
 - در زمان تورم، می‌توان با افزایش مالیات بر مصرف، فشار تورمی را کاهش داد.
 ۳. توسعه برنامه‌های آموزشی
 - آموزش عموم مردم درباره اهمیت مالیات و نحوه تأثیر آن بر اقتصاد کشور، به‌ویژه برای افزایش مشارکت اجتماعی در پرداخت مالیات.
 ۴. تحقیق و توسعه
 - انجام تحقیقات بیشتر برای شناسایی بهترین شیوه‌ها و مدل‌های مالیاتی که متناسب با شرایط خاص اقتصادی باشد.
 ۵. تقویت زیرساخت‌های اقتصادی
 - سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های عمرانی که منجر به افزایش تولید و اشتغال خواهد شد، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته.
- با اجرای این پیشنهادات، می‌توان به بهبود وضعیت اقتصادی یک کشور کمک کرد و اثرات منفی مالیات را به حداقل رساند. در نهایت، هدف باید ایجاد یک نظام مالیاتی کارآمد باشد که هم به تأمین منابع مالی دولت کمک کند و هم به رشد پایدار اقتصادی منجر شود.

منابع

- ۱- اسدی، مرتضی «نقش حسابرسی در راهبری بخش عمومی و کاهش فساد» سازمان حسابرسی ایران، فصلنامه حسابرسی، ش ۱۰۳، عقرب ۱۳۸۹.
- ۲- اعتباریان، اکبر و دیگران «رابطه حسابرسی عملکرد با کاهش فساد اداری از طریق افزایش شفافیت، بهبود پاسخگویی و ارتقای اعتماد و درستی» دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۹۳
- ۳- بهرامی نژاد، محمد و دیگران «نقش حسابداری در ارتقای سلامت نظام اداری و پیشگیری از فساد» ارائه شده در کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت، زمستان ۱۳۹۵.
- ۴- راهنما، فاطمه و دیگران «نقش حسابداری و حسابرسی در ارتقای سلامت نظام اداری و پیشگیری از فساد» ارائه شده در کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی، ۱۳۹۵.
- ۵- یگانه، یحیی حساس و دیگران «بررسی رابطه میان نقش نظارتی حسابرسان و ارتقای سلامت نظام اداری»، فصل نامه انجمن حسابداری مدیریت ایران، ۱۳۹۵.
- 6- Barret (2014). The Impact of Auditing on Better Practices in Public Sector Governance. National Institute of Governance, Cranberra.
- 7- COSO Fremwork
- 8- Enste, D. & Heldman, C., Causes and Consequences of Corruption An Overview of Empirical Results, 2017
- 9- Everett, J. S. Neu, D., & Rahaman, A. S., Accounting and the Global Fight Against Corruption, Accounting, Organizations and Society, 2007
- 10- Goodson, S. G., Mory, K. J., & Lapointe, J. R., Supplemental Guidance: The Role of Auditing in Public Sector Governance, 2012, (A.M. Hogan, B. Breier, G. Hollyman, & R. F. Chambers, Eds.) The Institute of Internal Auditors (2nd Editon), USA: Altamonte Springs, FL
- 11- Gounev, P., Dzhekova, R., & Bezlov, T., Study on Anti-Corruption Measures in EU Border Control, Retrieved, 2012
- 12- ISSAI, ISA, 130, Code of Ethics.
- 13- ISSAI, ISA, 300 Planning an Audit of Financial Statements
- 14- ISSAI, ISA, 315 Identifying and Assessing the Risks of Material Misstatement through Understanding the Entity and Its Environment
- 15- ISSAI, ISA, 610, "Using the Work of Internal Auditors"
- 16- Office of Comptroller & Auditor General of India, 2009.
- 17- Othman, Z., Shafle, R., & Zakimi, F.A. H., Corruption- Why Do They Do It? In Procedia, Social and Behavioral Sciences, 2014, (Vol. 164, pp. 248-257), Elsevier B. V
- 18- Rady, T., Corruption, Business, and Economic Development, Journal of Organizational Culture, Communication and Conflict, 2016
- 19- Sherzad, S. S., Nawzad, N. M. H., & Raqeeb, R. O.: Role of Internal and External Auditing on Public Sector Governance in Kurdistan Regional Government, 2020